

مسابقه بزرگ

بصیرت

در انتخابات ۱۴۰۰

انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ را به دلایل مختلف می توان یکی از مهم ترین و سرنوشت ساز ترین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی از ابتدا تا کنون ارزیابی کرد. انتخابات ۱۴۰۰ در شرایطی برگزار می شود که، از یک سو نشانه های افول قدرت شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار بیش از پیش آشکار شده، در این شرایط سخت و دشوار، یک انتخابات پر شور با مشارکت حداکثری و انتخاب اصلح از سوی مردم، تنها راه علاج دردهای مزمن و مشکلات پیچیده کشور است. پاسداران، بسیجیان، پیشکسوتان عرصه جهاد و شهادت و خانواده های محترم آنان، می توانند در پرتو بصیرت انقلابی، ضمن حضور پر شور و از سر آگاهی در پای صندوق های رای و انتخاب فرد اصلح، دیگران (اقوام و دوستان را هم به شرکت در انتخابات از باب تواصی به حق، ترغیب نمایند. نیازی به توضیح نیست در شرایطی که دشمنان و جریان ضدانقلاب، از طریق انتخابات به دنبال ضربه زدن به انقلاب اسلامی و کشورمان می باشند، ما باید به حکم وظیفه در وسط این میدان با مجاهدت شبانه روزی، نقشه های دشمنان را خنثی کنیم .

سوال: چه جور انتخاباتی می تواند حال مردم را خوب و امید به حل مشکلات امروز جامعه را در دل ها زیاد نماید؟ انتخاباتی می تواند حال مردم را خوب و امید به حل مشکلات را زیاد کند که هدف و رویکرد اصلی آن «تغییر وضع موجود باشد. امروز در جامعه ایران اگر از مردم این سوال پرسیده شود که آیا موافق استمرار وضع موجود یا مشابه آن در مسائل اجرایی و مدیریتی برای ۴ سال دیگر هستید یا نه؟ اکثریت قریب به اتفاق خواهند گفت به هیچ وجه راضی به امتداد و تداوم این شرایط نیستند. اما این نظر به تنهایی کافی نیست و باید با حضور در پای صندوق های رای» تغییر سبک مدیریت اجرایی «را انتخاب کرد. امروز کسی نمی تواند انبوه و انباشت مشکلات ریز و درشت مردم در حوزه های مختلف را که عمدتاً ناشی از سوء مدیریت ها و ضعف مدیریت ها می باشد را انکار نماید. همین انباشت مشکلات مطالبه و انگیزه ملی برای تغییر وضعیت را ایجاد کرده است. حال نکته مهم بعدی این است که بهترین و ثمربخش ترین راه برای ایجاد تغییر کدام است؟ آیا قهر با صندوق های رای راه تغییر است؟ آیا رفتن به سمت نسخه های پیچیده شده از بیرون مرزها برای کشور نظیر نافرمانی مدنی، اعتراضات کف خیابانی و ایجاد اغتشاش و برهم زدن امنیت و آرامش جامعه، راهی است که ما را به تغییر می رساند؟ راه مناسب و موثر تغییر به درستی کدام است؟ | اگر گفتمان اصلی حاکم بر رفتار سیاسی مردم و جامعه مقوله «تغییر «قرار گرفت، بلافاصله مسالمت آمیز ترین راه برای تغییر یعنی انتخابات و صندوق های رای نیز به اذهان متبادر می شود؛ زیرا هم هزینه تغییر در بستر انتخابات کمتر است و هم اثربخشی و امید به تغییر از طریق صندوق های رای در نظام جمهوری اسلامی که در مدت ۴۲ سال خود نشان داده است هر رای مردم را امانتدارانه بازخوانی و تعیین کننده می داند، بیشتر است. البته در این مقوله با آسیب ها و مخاطراتی مواجه هستیم و آن، طمع ورزی جریانات و افرادی است که می خواهند از بستر رای به تغییر، خودشان را به مردم عرضه و غالب نمایند. لذا برای رسیدن به این هدف اساساً هم به تطهیر و درستی وسیله و ابزار توجهی ندارند و حاضرند با رقیب هراسی، تخریب شخصیت، ترور بنیان های ایدئولوژیک نظام اسلامی مورد توجه مردم، دروغ پردازی و اغوای رسانه ای، پول پاشی و خرید رای، فریب و امیدوار سازی دروغین به راهی که آزمون خودش را پس داده و دهها راه درست و نادرست دیگر رهزنی رای مردم برای ایجاد تغییر نمایند. باید مراقب کلاهی بود که ممکن است از مسیر تغییر ایجاد شود. آنچه مهم است مردم باید به عنوان بازیگر اصلی صحنه تغییر به قدرت دولت ساز و شور ساز و مجلس ساز رای خود باور داشته باشند و آن را به ثمن بخش و قیمت مفت از تاثیر گذاری نیاندازند. مقام معظم رهبری تنها راه یا مهمترین راه حل مشکلات کشور را در انتخابات دانسته و می فرمایند: «علاج دردهای مزمن کشور،

در پرتو پر شور بودن انتخابات و حضور عمومی مردم و بعد انتخاب اصلح، انتخاب شخصیت مناسب در انتخابات ریاست جمهوری است.

سوال: آیا شرکت در انتخابات واجب شرعی است یا حق شهروندی؟ اگر شرکت در انتخابات تکلیف

است، الزامات آن چیست؟ از منظر آیات قرآن و روایات اسلامی و گفتمان امام راحل و رهبری معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای) مدظله العالی (انسان موجودی است که سرنوشت فردی و اجتماعی خود را رقم می زند. در آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد به یک اصل مهم اشاره می کند که خداوند سرنوشت اجتماعی و فردی انسانها را به عنوان یک امتیاز و حق بر عهده آنان گذاشته است: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم؛ یعنی خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند. «!انتخابات، یعنی مشارکت در تعیین سرنوشت جامعه و لذا از این منظر، شرکت در انتخابات، حقی است که خداوند به انسان عطاء نموده است». حق «در این گونه امور، یعنی امتیازی که به فردی داده می شود و در مقابل آن، تکلیفی بر عهده آن فرد قرار می گیرد. در واقع، شرکت در انتخابات هم حق انسان است و هم تکلیف است که با انجام آن تکلیف، آن حق محقق می شود. حق و تکلیف بر خلاف تلاش و تلقی برخی کج اندیشان در مقابل هم تعریف نمی شوند. بنابراین شرکت در انتخابات واجب شرعی است برای استیفاء حقی که خداوند برای انسان قائل شده است. در حقیقت، تکلیف در این مسئله مهم، راه تحقق حق و امتیازی است که انسان دارد، یعنی تعیین سرنوشت اجتماعی. امام خمینی) ره (در این باره می فرماید: «باید اختیار دست مردم باشد. این یک مسئله عقلی است. هر عاقلی این مطلب را قبول دارد که مقدرات هر کسی باید در دست خودش باشد). «صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۹۴. (امام خمینی ره) در مورد

واجب شرعی بودن شرکت در انتخابات، یعنی در باره بعد تکلیفی آن می فرماید: «امروز شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نه فقط یک وظیفه اجتماعی و ملی است، بلکه یک وظیفه شرعی اسلامی و الهی است که شکست در آن شکست جمهوری اسلامی است که حفظ آن بر جمیع مردم از بزرگترین واجبات و فرائض است». رهبر معظم انقلاب، امام خامنه ای مدظله العالی نیز در این باره می فرماید: «هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخابات صحیح و آزادانه قانون گذارشان را در قوه مقننه معین کنند. مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آنهاست. اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی خواهم از این حق استفاده کنم، نه سرنوشت نظام بستهی به احقاق و استفاده از این

حق است، این تکلیف است، باید همه شرکت کنند. «در بیان دیگری امام خامنه ای (مدظله العالی) می فرمایند»: شرکت در انتخابات هم حق است و هم تکلیف مردم است. مردم حق دارند که سرنوشت کشور را بدست خودشان رقم بزنند). «بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۴/۰۳/۱۳۸۴ (بر این اساس، شرکت در انتخابات واجب شرعی است و این تکلیف الزاماتی دارد؛ اولاً، ما در انتخاب آزاد هستیم اما باید پاسخگوی انتخاب خود باشیم. ثانیاً، بدانیم که هر کسی را برای مناصب مهم انتخاب کردیم در مواضع و اقدامات او شریک هستیم. درک و فهم این الزامات دقت و مسئولیت پذیری ما را در نوع انتخاب مان ارتقا می دهد. با این نگاه، طبیعی است که عدم شرکت در انتخابات با هر بهانه و توجیهی، گناه محسوب می شود و فرد با عدم شرکت در انتخابات خود را از تکلیف و حق مشارکت در تعیین سرنوشت جامعه محروم کرده و مرتکب خطایی راهبردی شده است. همچنین لازم است به این نکته اشاره شود از آنجا که حفظ نظام اسلامی از سوی امامین انقلاب جزء اعظم واجبات و فرائض قلمداد شده است، عدم شرکت در انتخابات به بهانه های مختلف، ضمن این که ترک واجب الهی است، ممکن است مشروعیت و مقبولیت نظام اسلامی را نیز به مخاطره بیندازد و مستوجب عقاب اخروی شود. حتی برای آن دسته از افرادی که تقیدات شرعی ندارند، از آنجا که نیامدن پای صندوق های رای باعث طمع ورزی دشمنان قسم خورده ملت ایران شده و امنیت و رفاه اجتماعی آنها را با چالش و خطر مواجه می کند، تخطی از انجام وظیفه و مسئولیت ملی قلمداد می شود. **سوال: چگونه در انتخابات می توانیم عامل به امر مهم» تواصی به حق «باشیم؟** تواصی به حق در آیات قرآن به عنوان یکی از عوامل مهم رسیدن به سعادت و خوشبختی معرفی شده است، به صورتی که اگر انسان اهل تواصی به حق نباشد، دچار خسران و زیان در دنیا و آخرت می شود. به این امر مهم خداوند در «سوره عصر» چنین تاکید می فرماید: «والعصر (۱) ان الانسان لفی خسر) ۲ (الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر) ۳»؛ تواصی به حق، یعنی خودسازی فردی کافی نیست، بلکه باید به دیگران هم توجه شود تا آنها نیز در مسیر حق قرار گیرند. تواصی به حق، یعنی انسان برای هدایت دیگران، برای رشد فکری و برای بصیرت دیگران و برای رفع موانع هدایت از مسیر دیگران تلاش کند. تواصی به حق، یعنی در جامعه ایمانی انسانها مکلف هستند به صورت شبکه ای منسجم و هدفمند به یاری همدیگر بشتابند و جامعه را به حق و حرکت در مسیر حق سفارش کنند. انتخابات در جمهوری اسلامی یکی از صحنه های تواصی به حق می باشد. رهبر معظم انقلاب حضور در پای صندوق های رای و توصیه دیگران به انجام این حق و تکلیف الهی را مصداق تواصی به حق می دانند. همگان باید در این عرصه با انگیزه الهی و پر تلاش ظاهر شوند؛ زیرا اصل شرکت در

انتخابات یک حق است و دعوت مردم مخصوصا افرادی که دچار شک و تردید هستند، از مصادیق توامی به حق محسوب می شود؛ زیرا عدم شرکت در انتخابات آثار زیانباری از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی برای جامعه دارد و کسانی که مردم را به عدم شرکت دعوت می کنند، چه با گفتار و چه با عملکرد مدیریتی، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، در واقع توامی به باطل می کنند. بنابر این، نیروهای انقلابی به صورت هدفمند، عالمانه و هوشمند، لازم است مردم را به شرکت در انتخابات تشویق نمایند و آثار و برکات این حضور را برای جامعه مخصوصا کسانی که دچار تردید هستند، تبیین کنند. از این منظر، نهضت‌های روشنگری و هدایت سیاسی در ایام انتخابات، چون مقدمه انجام یک واجب شرعی است، عملی واجب بوده و از بارزترین مصادیق توامی به حق محسوب می شود. باید به سراغ مردم رفت، با آنها گفتگو کرد، به سوالات آنها پاسخ داد، شبهات را برطرف نمود، دلها را محکم کرد و نقشه های دشمنان را خنثی نمود. این چنین است که انسان مطمئن می شود در عرصه مهم انتخابات عامل به توامی به حق می باشد.

سوال : چگونه می توان یک فرد ناراضی از وضع موجود را به حضور در پای صندوق رأی ترغیب کرد؟

در مواجهه با این قبیل افراد ابتدا باید بررسی شود در ذهن آنها چه عامل یا عواملی مانع از حضور و مشارکت در انتخابات شده است. معمولا افراد یا از سر بی اعتمادی به دولت و سیستم حکومتی مشارکت نمی کنند یا از روی نارضایتی اجتماعی و انتظاراتی که داشته اند، اما در انتخابات های پیشین برآورده نشده است، یا این که اساسا، نسبت به اهمیت و ضرورت انتخابات نا آگاه هستند. طبیعی است که باید با هر سنخ از این افراد رفتار تبیینی و عملی متناسب داشت. البته در حوزه جلب رضایت عمومی از عملکرد ساختارها و کارگزاران لازم است بخش های مختلف وارد عمل شوند و اقداماتی در راستای حل مشکلات و جلب رضایت مندی مردم انجام دهند. اما برای کسانی که نا آگاه از وضعیت و اهمیت انتخابات در تغییر وضعیت موجود هستند یا نسبت به انتخابات و اثربخشی آن و حتی کفایت دولت و نظام سیاسی در ساماندهی امور دچار تردید و شبهه شده اند، باید سعی شود تا وظیفه ملی و شرعی بودن شرکت در انتخابات برای آنها تبیین شود. ثانیاً مزایا و کارکردهای حضور حداکثری در انتخابات و ثالث تبعات و خسارت های عدم مشارکت در انتخابات مورد توجه قرار گیرد. واقعیت آن است که هرگز ضعف ها و نارسایی های موجود نمی تواند سبب غفلت از پرداختن به مصالح کلان کشور و منافع عامه شود. بر این اساس، درست است که در جامعه مشکلات و تبعیض هایی وجود دارد، اما این نارسایی ها نباید موجب غفلت از حضور در انتخابات شود. باید این موضوع برای مردم تبیین شود که اتفاقا با شرکت در انتخابات و انتخاب فرد اصلاح و کار آمد و همچنین با

مطالبه‌ی عمومی حل مشکلاتی چون مبارزه با تبعیض، فساد، ناکارآمدی و... از کاندیدها، می‌توان امیدوار بود که گام‌هایی برای رفع این نقیصه‌ها (ناکارآمدی‌ها و ضعف عملکردها) برداشته شود، اما با عدم حضور در انتخابات و ترساندن مطالبه‌ی خود به گوش مسئولان نمی‌توان امیدوار بود که برای تحقق مطالبات ما قدمی برداشته شود. شرکت نکردن در انتخابات به صورت ناآگاهانه، نتیجه‌ای جز استمرار وضع موجود ندارد. علاوه بر این، با توجه به نقشی که انتخابات می‌تواند در افزایش پرستیژ بین‌المللی کشور و نظام جمهوری اسلامی داشته باشد، باید مزایای مشارکت و خسارت‌های عدم شرکت در انتخابات برای این قبیل افراد تبیین شود. از جمله اینکه عدم شرکت در انتخابات ممکن است باعث تنگ‌تر شدن حلقه‌ی تحریم‌های ضدایرانی و در مرحله بعد بروز مخاطراتی برای امنیت ملی کشور شود. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم تبریز به مناسبت ۲۹ بهمن در سال گذشته؛ «مشارکت مردم در انتخابات را موجب خنثی‌سازی طراحی‌های دشمنان انقلاب و تضمین امنیت ملی کشور» بیان کردند. همچنین ترسیم صحیح وضعیت امروز ما در جهان و اشاره درست به جبهه بندی نظام سلطه و استکبار با تمام توان در برابر جبهه‌های انقلاب اسلامی و مقاومت، می‌تواند در پرتو آگاهی بخش به مردم نسبت به توطئه بزرگی که دشمن در پیامد عدم مشارکت و یا کاهش مشارکت برای ملت ایران تدارک دیده، مشارکت آفرین باشد. امروز دو جبهه رویاروی هم قرار دارد؛ یکی، جبهه متحد دشمنان انقلاب اسلامی اعم از سران و سیاستمداران نظام سلطه جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و معاندان و معارضان نظام اسلامی که کارنامه سیاهی از تحمیل جنگ تا ترورهای وحشیانه و تحریم‌های ظالمانه و ضد انسانی علیه ملت ایران دارند تا عوامل خودفروخته و مزدور آنان در امپریالیسم رسانه‌ای و تروریسم فرهنگی که یک صدامت ایران را به عدم مشارکت فرا می‌خوانند. دیگری، جبهه وفاداران به انقلاب اسلامی است که با وجود زخمها و آسیب‌هایی که از عملکرد لیبرالها و غرب زده‌ها در امور کشور بر پیکر دارند، همچون سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و دیگر دلاورمردان، همچنان راه عزت اسلامی و پیشرفت انقلاب را در ولایت مداری و پیروی از رهبر فرزانه انقلاب می‌دانند. مردم همیشه در همه انتخابات‌ها با بصیرت مثال زدنی تلاش کرده‌اند در جبهه دشمن ایفای نقش نکنند و این بار هم انشالله همین مسیر را طی خواهند کرد و صحنه‌های با شکوهی از انسجام و وحدت ملی را به نمایش خواهند گذاشت. **سوال:**

چرا مشارکت حداکثری؟ آیا نمی‌شود صرفاً بر روی انتخاب گزینه اصلح تمرکز کرد و انتخابات را به نحوی برگزار نمود که فردی شایسته مدیریت دولت را به دست گیرد؟ جمهوری اسلامی، نظامی مردم سالار است که در آن مردم رکن اصلی تشکیل حکومت به حساب می‌آیند. این نظام با حضور مردم

در صحنه اداره کشور هویت می یابد. نظام اسلامی به هر انتخاباتی به عنوان فرصتی برای تقویت ارکان نظام مردم سالار دینی نگاه کرده و خواهان آن است که انتخابات به شایسته ترین حالت برگزار شود. در واقع، با برگزاری انتخابات مطلوب نظام اسلامی است که حیات مردم سالاری دینی قوت می گیرد. بدون شک دو رکن اساسی برای تحقق انتخابات تراز انقلاب اسلامی لازم است؛ یکی، مشارکت پرشور با حضور اکثریت ملت ایران در پای صندوق های رای، و دیگری، به قدرت رسیدن نامزد شایسته و اصلح. انتخابات مطلوب با تحقق هر دوی اینها معنا می یابد. نظام اسلامی باید کاری کند که هر دوی این ها محقق شود. در تقابل هم قرار دادن این دو یا یکی را قربانی دیگری کردن خطای فاحشی است که از آن باید دوری کرد. نکته قابل ملاحظه دیگر آن که باید توجه داشته باشیم، تحقق مشارکت حداکثری با دعوت و تشویق همه ملت به حضور در پای صندوق رای صورت می گیرد که در این میان نظام اسلامی، مسئولین کشور و آگاهان جامعه باید برای تحقق آن تلاش نمایند. **سوال: مهم ترین ویژگی های فرد اصلح برای ریاست جمهوری کدام است؟** تلاش برای انتخاب اصلح به عنوان رئیس جمهور نیز وظیفه مردم است که باید این امر تحت نقش آفرینی موثر هادیان و راهنمایان جامعه محقق شود. رسانه ها، نخبگان و آگاهان جامعه هستند که باید بتوانند کاری کنند تا مردم از میان صالحان مورد تایید شورای نگهبان به گزینه اصلح رای دهند. در بیانات نوروزی رهبر معظم انقلاب نیز در کنار تاکید بر حضور و مشارکت گسترده مردم، به انتخاب آگاهانه گزینه اصلح تاکید شده است. بی تردید، **گزینه اصلح طبق شاخص های اعلامی رهبر معظم انقلاب فردی است مانند شهید سلیمانی که واجد روحیه انقلابی و جهادی بوده و برای خدمت به مردم همیشه در میدان باشد و خود را در امتداد ولایت تعریف نماید.** با توجه به بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی مهم ترین ویژگی فرد اصلح، عبارتند از:

۱- ولایت مداری: رئیس جمهور اصلح کسی است که گفتمانش در امتداد گفتمان ولایت و رهبری حکیم انقلاب اسلامی باشد.

۲- مدیریت قوی: کسی برای ریاست جمهوری اصلح است که دارای کفایت مدیریت و مدیریت کارآمد باشد

۳- ایمان قوی: فردی برای ریاست جمهوری اصلح است که دارای ایمان قوی باشد، در غیر این صورت، به کشور و منافع ملی خسارت وارد می کند.

۴- عدالتخواه و فساد ستیز: از ویژگی های مهم فرد اصلح برای ریاست جمهوری این است که دنبال اجرای عدالت باشد و اهل مبارزه جدی با فساد در هر شکل و نوع آن باشد.

۵ - عملکرد انقلابی و جهادی :رئیس جمهور اصلح کسی است که دارای سابقه عملکرد انقلابی و جهادی باشد.

۶ -معتقد به توانمندیهای کشور :کسی اصلح است که توانمندی های داخل کشور را بشناسد و به آن اعتقاد داشته باشد.

۷ -معتقد به توانمندی جوانان :فردی برای ریاست جمهوری اصلح است که جوانان را به عنوان پیشران کشور قبول داشته باشد و از ظرفیت آنان استفاده کند .**سوال : چرا شورای نگهبان فقط افراد صدرصد انقلابی را تایید صلاحیت نمی کند تا آینده کشور و مسیر درست حرکت نظام اسلامی تضمین شود؟** برای پاسخ به این سوال به چند نکته باید توجه نمود:

۱- ابتدا باید توجه نمود که مسئله صلاحیت ها را می توان دال مرکزی توزیع قدرت در نظام سیاسی در اسلام دانست .در نظام اسلامی هیچ مسند قدرتی نیست که صاحب آن بدون داشتن صلاحیت، مشروعیت تکیه زدن بر آن را داشته باشد .هر فرد در نظام اسلامی اگر به اندازه ذره ای از قدرت برخوردار باشد، باید به همان اندازه از صلاحیت برخوردار باشد، و گرنه حق اعمال آن قدرت را ندارد و قدرت مذکور نامشروع خواهد بود .به واقع، صلاحیت رمز مشروعیت به حساب می آید و این منطق جاری در نظام اسلامی است که حاصل آن شایسته سالاری و تکیه زدن صاحبان صلاحیت بر مسند قدرت است

۲-در نظام اسلامی برای تحقق شایسته سالاری، فرایندی دو مرحله ای طرح ریزی شده است .شورای نگهبان نهاد مرجعی است که مطابق با قانون اساسی بررسی صلاحیت ها در انتخابات مختلف کشور را بر عهده دارد .شورای نگهبان با استعلام از نهادهای قانونی اطلاعات، اعم از دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی، صلاحیت حداقلی نامزدها را مطابق با قانون نوشته شده کشور بررسی می کند و صالحان را به جامعه معرفی می کند .اما گام دوم احراز صلاحیت ها که از آن می توان به عنوان احراز صلاحیت حداکثری یاد کرد، بر عهده مردم گذاشته شده است .آنچه از آن با عنوان انتخاب اصلح یاد شده است، به واقع مرحله تکمیلی و پایانی احراز صلاحیت هاست که تشخیص و انتخاب آن به مردم واگذار شده است نه مسئولان و نخبگان .

۳- اگر قرار باشد که اصلح را نیز شورای نگهبان معرفی کند، دیگر مفهوم انتخاب مردمی رنگ خواهد باخت !و نظام مردم سالاری دینی به نظامی نخبه سالار و دیکتاتوری تبدیل خواهد شد که رای مردم در آن جایی ندارد و نخبگان و اقلیت حاکم به جای مردم تصمیم می گیرند

۴- در میان نامزدهای انتخاباتی باید تنوعی از گرایش ها و سلیقه های مختلف نیز باشد تا مردم با سلیقه های مختلف گزینه ای را برای انتخاب داشته باشند، و گرنه رغبتی برای شرکت در انتخابات نخواهند داشت و حاصل آن کاهش مشارکت خواهد بود که در تعارض با سیاست مشارکت حداکثری نظام اسلامی است. -توجه داشته باشیم که مفهوم انقلابی گری مفهومی تشکیکی است. بدین معنا که همه از صفت انقلابی گری به یک اندازه برخوردار نیستند. اما کم‌رنگی در انقلابی گری به معنای خروج از دایره آن نیست. توضیحات رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره روشن‌گر است: «انقلابی گری مقول به تشکیک است. ممکن است یک نفر نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی بهتر حرکت کند، یک نفر به آن خوبی حرکت نکند، اما در همان راه دارد حرکت می کند. اینکه ما هر کسی خوب حرکت نکرد، یا به طور کامل حرکت نکرد را متهم بکنیم به غیر انقلابی یا ضدانقلابی این هم خطا است؛ نه، ممکن است یک نفری صد درجه میزان حرکت او ارزش دارد، یک نفری کمتر ارزش دارد، یک نفری از او کمتر ارزش دارد، اما همه در این راه حرکت می کنند. مهم این است که آن شاخصها تطبیق بکند. **سوال: مبنای شورای نگهبان برای احراز و اعلام صلاحیت افراد واجد شرایط ریاست جمهوری چیست؟** این شورا برای انجام رسالت مهم خود در جلوگیری از مسئولیت افراد بدون صلاحیت چه باید بکند؟ قانون اساسی وظایف متعددی را برای شورای نگهبان برشمرده است که از بین آنها، سه وظیفه مهم « نظارت بر قانونگذاری، تفسیر قانون اساسی و نظارت بر انتخابات » دارای اهمیت ویژه ای هستند. بی شک، هر چه به انجام متقن و مستحکم این مأموریت ها و وظایف توجه شود، خروجی فیلتر شورای نگهبان مطلوب تر خواهد بود. مثلاً درباره نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری از حیث اهمیت راهبردی و پر مسئولیتی این قوه، بند ۱۰ سیاست های کلی انتخابات، معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است. منطقی است این ارزیابی از جنس اطلاع یابی و به اصطلاح استطلاعی نخواهد بود بلکه طبق استفساریه از اعضای شورای نگهبان، این نظارت از جنس استصوابی و دارای ضمانت اجرایی در خصوص احراز صلاحیتها و شایستگی هاست. به تعبیر مرحوم آیت الله مومن که بیش از ۳۰ سال عضو فقهای این شورا بود، « تنها نظارت عقلایی، نظارت استصوابی است » و الا نظارت صرف برای اطلاع از روندها و احوالات افراد، کاری بیهوده خواهد بود. به رغم حجمه های سیاسی به شورای نگهبان در این باره، اعضای آن باید با تمام قوت و دانش و تجربه این رسالت را انجام دهند و باز به تعبیر آن مرحوم، « شورای نگهبان به مثابه صافی و فیلتر نظام اسلامی » نگذارد افراد نامناسب برای مناصب راهبردی نظام وارد مسئولیت شوند. شورای نگهبان حکم صافی و

گلوگاه ورودی برای مسئولیت های کلیدی و راهبردی در جمهوری اسلامی را دارد. مطمئنا در انجام وظیفه خود باید بیشترین دقت، حساسیت، مسئولیت پذیری و خداترسی را داشته باشند و تنها عمل به مر قانون را وجه همت خود قرار دهند

سوال: دولت جوان انقلابی (حزب الهی) چه ویژگی هایی دارد که می تواند حلال مشکلات کشور باشد؟ لازم به ذکر است که منظور از واژه « جوان » در دولت جوان حزب الهی یا دولت جوان مومن انقلابی، صرفا بر اساس معیار سن و سال تقویمی افراد تعیین نمی شود، بلکه « جوان » در اینجا مفهومی استعاری است که بر صدق وجود ویژگی ها و اوصاف جوانی اعم از مسئولیت پذیری، پیشگامی، چابکی، نشاط، چالاکی، روحیه پی گیری و جهادی داشتن برای به ثمر رساندن سیاست ها و برنامه ها در دولت دلالت دارد. به بیان دقیق تر، در دولت جوان حزب الهی، لازم نیست شخص رئیس جمهور جوان باشد بلکه منظور داشتن روحیه و رویکرد جوانانه در دولت برای کار بیشتر و جهادی تر است. دولت جوان حزب الهی، دولتی برخوردار از روحیه و انگیزه جهادی، ولایت مداری، نشاط کاری و کارآمدی برای حل مشکلات کلان کشور است. چنین دولتی در بزنگاه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین المللی به جای بهانه تراشی برای فرار از مسئولیت، از تمامی ظرفیت های موجود کشور و محیط پیرامونی آن برای رفع موانع حرکت نظام جمهوری اسلامی به سمت اهداف مادی و معنوی خود، بهره می برد. آنچه که اعتباربخش به این گزاره ادعایی است، همانا تجربیات مختلف موفق برای خنثی سازی تحریم ها در داخل کشور در بزنگاه های بحرانی و خطیری همانند دوران دفاع مقدس و سازندگی و تقویت قدرت بازدارندگی دفاعی و خوداتکایی صنعتی کشور است. با توجه به برخی از برداشت های نادرست از مفهوم دولت جوان حزب الهی، مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ در بخشی از بیاناتشان در نشست تصویری با مجموعه ای از جوانان دانشجو و تشکل های دانشگاهی، با اشاره به لزوم داشتن دولت جوان حزب الهی، فرمودند: « مکرر گفته ام که به چنین دولتی معتقد و امیدوارم، اما معنای این حرف صرفا این نیست که یک جوان سی و چند ساله رئیس دولت باشد؛ بلکه معنای دولت جوان حزب الهی، یک دولت سرپا، پای کار، آماده و با نشاط است که بتواند کار کند و خسته و از کار افتاده نباشد. بعضی ها تا سنین بالا به یک معنا جوان هستند، همین شهید عزیزی که شما اسم بردید یعنی شهید سلیمانی عزیز که بنده شب و روز به یادش هستم، ایشان نزدیک ۶۰ سال سن داشتند و جوان نبودند، اگر ۱۰ سال دیگر هم زنده می ماند، و بنده هم زنده می ماندم و بنا بود که من مشخص کنم، او را در همین جا نگه می داشتم و کنار نمی گذاشتم.

«سوال مهم: چرا انتخابات ایران برای کشورهای غربی اهمیت دارد؟ نقشه آمریکا برای این انتخابات چیست؟»

مطالعه کنش سیاسی - رسانه ای کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا و انگلیس به هنگام برگزاری انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، بیانگر حساسیت خاص آنها نسبت به چگونگی برگزاری این رخداد و نتایج آن است. این حساسیت و توجه غرب به انتخابات ایران، در حد مشاهده روند و نتایج انتخابات باقی نمی ماند، بلکه دولت های غربی تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا به زعم خود، بر روند و نتایج انتخابات ایران تأثیر بگذارند و اهداف خاص خود را در این زمینه دنبال کنند. بنابراین انتخابات ایران از اهمیت زیادی برای غربی ها برخوردار است؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران، یک نظام سیاسی متمایز از نظام های سیاسی دنیا است، به این معنا که مشروعیت سیاسی و مقبولیت خود را بر مبنای دین و رأی مردم تعریف کرده است و اساساً مبنا قرار دادن رأی و نظر مردم را یک امر دینی می داند و به این ترتیب میان حقوق الهی و مردمی حاکمیت پیوند ایجاد کرده است. این الگوی سیاسی خاص و متمایز در مقابل نظام های غیر دینی و سکولار غرب و شرق قرار می گیرد که یا به شکل دیکتاتوری اداره می شوند و یا نخبه گرایی سرمایه دارانه را در پوشش دموکراسی به عنوان یک نظام سیاسی دموکراتیک تعریف می کنند. بنابراین از نظر غربی ها، حکومت ذاتاً پدیده یی سکولار و غیر دینی است و از این رو آنان نمی توانند موجودیت جمهوری اسلامی را بر تابند. با توجه به آنچه درباره نقش مردم در مشروعیت جمهوری اسلامی گفته شد، مسلماً حضور مردم در انتخابات، از مهم ترین موقعیت های تجلی حقوق سیاسی آنان در جمهوری اسلامی و ایفای نقش مشروعیت بخش آنها محسوب می شود و از این رو برای دولت های غربی بسیار مهم است که چگونگی این حضور، و نوع انتخاب مردم در انتخابات جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار دهند. در این زمینه سیاست آنان در گذشته، تلاش برای کاستن از حضور مردم در انتخابات و در مقطع کنونی تأثیر گذاشتن بر نوع انتخاب مردم بوده است. غرب در انتخابات ۱۴۰۰، از همه ابزارهای تأثیر گذاری خود بر افکار عمومی ایرانیان از جمله ابزار رسانه و شبکه های نفوذ استفاده خواهد کرد تا از پدیدآیی یک دولت انقلابی متکی بر رای مردم جلوگیری کند. سوال: آیا با رفتن ترامپ و آمدن بایدن در آمریکا، امکان احیای برجام، رفع تحریمها، تداوم مذاکرات و حل مشکلات کشور وجود دارد؟ برخی تحلیل گران و جریانان سیاسی کشور در دوره مبارزات انتخاباتی در آمریکا و ابتدای پیروزی بایدن، در تفسیر از روی کار آمدن دموکرات ها و بایدن بر این باور بودند که دوران سختی سپری شده و دولت بایدن به تعهدات بین المللی از جمله برجام باز خواهد گشت و ایران از شرایط فشار حداکثری تحمیلی ترامپ نجات

پیدا خواهد کرد. در برابر این دسته از افراد، جریان دیگری بود که بین بایدن و ترامپ فرقی قائل نبوده و تصریح داشت که با روی کار آمدن اجاره نشین جدید در کاخ سفید، برجام ۲۰۱۵ نه تنها احیاء نخواهد شد، فشارها و تحریم ها نیز تداوم خواهد داشت. رهبر معظم انقلاب نیز با دلایل متقنی دیدگاه دوم را باور داشتند. اکنون که بیش از ۹۰ روز از روی کار آمدن بایدن می گذرد، واقع بینانه بودن و درستی تحلیل گروه دوم را شاهد هستیم. البته دلایلی که برجام ۲۰۱۵ امکان احیاء کامل ندارد، متعدد است، اما به اختصار می توان گفت؛ غربی ها و خصوصا آمریکایی ها از طریق حفظ تحریم ها و فشارها می خواهند برجام های دیگری را در حوزه برنامه موشکی و نفوذ منطقه ای تحمیل کنند. همان طور که رهبر معظم انقلاب در جلسه انس با قرآن در اول ماه مبارک رمضان فرمودند؛ هدف نهایی آمریکایی ها از مذاکره، تحمیل خواسته ها و نظرات خود و به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی و بازیابی سلطه خود بر ایران است. این رفتار آمریکایی ها در قبال ایران، انطباق کامل دارد با آنچه خداوند متعال در آیه ۱۲۰ سوره مبارکه بقره به آن تصریح می فرماید: «ولن ترضی عنک الیهود ولا النصارى حتى تتبع ملتهم قل ان هدی الله هو الهدی ولئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاء من العلم ما لک من الله من ولی ولا تصیر؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد.» تا به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی (و از آیین) تحریف یافته (آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوس های آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.» بنابراین، هر چند ممکن است در آستانه انتخابات و برای تاثیر گذاری بر افکار مردم ایران، آمریکایی ها گشایش هایی را ایجاد نمایند، لکن به سمت برداشتن همه تحریم ها نخواهند رفت. **سوال: حال که بایدن به وعده های انتخاباتی خود برای بازگشت به برجام و لغو تحریم ها عمل نمی کند، برای عبور از تحریم ها چه باید کرد؟** به طور کلی دو رویکرد یا روش برای عبور از تحریم ها وجود دارد؛ ۱- رفع تحریم ها؛ ۲- خنثی سازی تحریم ها. به دلایل مختلف و تجربیات گذشته در عملکرد حاکمان کاخ سفید که پس از پایان جنگ تحمیلی در دوره دولت سازندگی مسیر مذاکرات موسوم به گفتگوهای انتقادی (۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) را برای تنش زدایی و رفع موانع سرمایه گذاری و فشارهای تحریمی برگزیدند تا مذاکرات توأم با انواع تحریم های هسته ای از سال ۱۳۸۲ تا کنون، چشم انداز رفع تحریم ها به دور از تصور است و مشخص شد که رفع تحریم ها با آمد و رفت کاخ سفید نشینان شدنی نیست. به همین جهت رهبر حکیم انقلاب فرمودند برای علاج تحریم ها در مسیر "خنثی سازی تحریمها و غلبه بر آنها" و "رفع تحریمها" وجود دارد. ما مسیر رفع تحریم را یک بار امتحان و چند سال مذاکره کردیم اما به نتیجه

ای نرسید. مسیر غلبه بر تحریم ها ممکن است در ابتدای کار، سختی ها و مشکلاتی داشته باشد اما خوش عاقبت است (« ۴/۹/۱۳۸۹) با توجه به این که نتایج رویکرد رفع تحریم ها آزمون شده و نتیجه بدست نیامده است عقل و منطق حکم می کند که حل مشکلات اقتصادی کشور به جابجایی قدرت در کاخ سفید و مذاکره گره زده نشود. مهمتر این که واقعیت های اقتصادی کشور فراتر از گره زدن حل مشکلات به دولت جدید آمریکا و مذاکره مجدد است؛ زیرا به اعتقاد اکثر صاحب نظران، تحریم ها تنها یکی از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت اقتصادی کشور است؛ از نظر آنها این عامل تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد از مشکلات اقتصادی کشور را شامل می شود و ۷۰ تا ۸۰ درصد آنها ناشی از ناکارآمدی و سوء مدیریت و کاستی های داخلی و چه بسا تحریم های داخلی است. در این زمینه رهبر معظم انقلاب فرمودند: «یکی از مشکلات اقتصاد ما در این سه چهار سال اخیر همین بوده که مدام گفتیم تحریم اگر برداشته بشود، مثلاً فرض کنید این جوری می شود، تحریم را اگر برداشته شد آن جوری خواهد شد، سرمایه گذاری خارجی اگر انجام بگیرد این جوری خواهد شد؛ این « اگرها «اقتصاد را معطل و سردرگم نگه می دارد و نبایستی بلا تکلیفی در اقتصاد به وجود بیاید، که این ضرر بزرگی است.» از این رو، نظر به اینکه علت اصلی و ریشه ای مشکلات اقتصادی کشور در درون کشور است لذا حل آن را نیز در داخل کشور باید جستجو کرد. نمونه آشکار و امید بخش حل مشکل در داخل، پیشرفت های فوق العاده ای است که با وجود فشارهای حداکثری آمریکا صورت گرفت، به گونه ای که در بعضی از بخش هایی که کاملاً کالاها وابسته به خارج بود، کشور از خارج بی نیاز شد. همچنین با ورود دلسوزانه قوه قضائیه برای کارگشایی از رونق تولید و به حرکت در آوردن چرخهای تولید کارخانجات، حدود دو هزار واحد در یک سال گذشته به چرخه فعال سازی تولید برگشته اند و انبوهی از کارگران را مشغول کرده اند.

ما در انتخابات ۲ وظیفه عمده و اصلی بر عهده داریم: ۱- خود با انگیزه بالا در انتخابات شرکت کرده و بر اساس معیارهای درست، دست به انتخاب اصلح بزنیم. ۲- دیگران را به مشارکت آگاهانه در انتخابات دعوت کنیم. به طور قطع، اگر نیروهای جبهه انقلاب به درستی به این وظیفه انقلابی - الهی عمل کنند، یک دولت مطلوب با رای مردم شکل خواهد گرفت و بسیاری از مشکلات حل خواهند شد